

## نقد سیاست‌های تجاری و اعتباری با هدف حمایت از کالای ایرانی در زیربخش‌های منتخب

علی طوسی\*  
علی قاسمی\*\* حسین دهقان شورکند\*\*\*

### چکیده

سیاست‌های تجاری و مالی به عنوان مجموعه اقدامات موثر بر وضعیت عرضه و تقاضای محصولات بنگاه‌ها، نقش مهمی در تثبیت اقتصادی هر کشور برعهده داشته و اگر تولید ناخالص داخلی، اشتغال، واردات و صادرات، و تورم را مهمترین متغیرهای اقتصاد کلان در نظر بگیریم، آنگاه این سیاست‌ها بر بخش قابل توجهی از متغیرهای اقتصاد کلان موثر خواهند بود. در این مقاله نشان داده شده است که سیاست‌های تجاری و مالی اتخاذ شده طی ۲۰ سال اخیر منجر به ایجاد رشد اشتغالزدا در کشور گردیده است، همچنین با استفاده از آخرین جدول داده-ستانده آماری، اثر تحریم اقتصادی از طریق کاهش ۳۰ درصد واردات کالاهای سرمایه‌ای بر بخش‌های کلیدی محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که جهت مقابله با تحریم‌ها، اگر سیاست‌های اعتباری از طریق ۱۴,۵ درصد افزایش در تسهیلات اعطایی بانک‌ها و سیاست‌های تجاری از طریق ۹,۳ افزایش در صادرات محصولات غیرنفتی و ۱۳,۹ درصد افزایش در واردات کالاهای سرمایه‌ای، در زیربخش‌های کلیدی تغییر کند، آنگاه نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر شغل جدید در کشور ایجاد و بیش از ۰,۵ درصد نیز نرخ رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت.

**کلیدواژه‌ها:** رشد اشتغالزدا، جدول داده-ستانده، زیربخش‌های کلیدی، سیاست تجاری، سیاست اعتباری.

---

\* دکتری اقتصاد - عضو هیات علمی گروه آموزشی اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشگاه خوارزمی،

toussiali@gmail.com

\*\* دکتری اقتصاد - کارشناس بانک مرکزی (نویسنده مسئول)، ghaseme@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد - کارشناس بانک مرکزی. hosseindeghan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۵

## ۱. مقدمه

بررسی روند رقابت‌پذیری کشورها در ۴۰ سال اخیر نشان می‌دهد که برخی از کشورهای شرق و آسیای جنوب شرقی موفقیت‌های گسترده‌ای در افزایش درآمد سرانه، کاهش فقر و ایجاد مشاغل جدید داشتند که در این میان سنگاپور، هنگ‌کنگ، ژاپن، چین، تایوان و کره جنوبی کشورهای شاخص این حوزه به شمار می‌روند. نکته حایز اهمیت آن است که در تمامی این کشورها وضعیت شاخص رقابت‌پذیری و شاخص توانمندسازی تجاری بالا، هزینه‌های تجارت عموماً پایین، خالص صادرات (نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی) رشدی چشمگیری داشته و درآمد سرانه نیز رشدی قابل توجه را تجربه نموده و تقریباً تمامی این کشورها به بازیگران فعال در محیط تجارت جهانی بدل شده‌اند. موفقیت در کاهش هزینه‌های تجارت و بهبود شاخص‌های رقابت‌پذیری، صرفاً به خاطر کاهش تعرفه‌های وارداتی نبوده بلکه به دلیل ارتباط تنگاتنگ توسعه اقتصادی این کشورها با پیشرفت‌های حاصل شده در مدیریت، زیرساخت‌ها، مقررات و ارتباطات از راه دور حاصل شده و تقریباً کشوری که کاهش فقر و ایجاد اشتغال را بدون افزایش در خالص صادرات تجربه کرده باشد، نمی‌توان یافت. هرچند برون‌دادهای رقابت‌پذیری (همچون افزایش درآمد سران و ایجاد شغل جدید) با توسعه صادرات، به شکل خودکار ایجاد می‌شود، لیکن تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در رفتار رقابت‌پذیری این کشورها و نحوه بکارگیری سیاست‌های تجاری و اعتباری جهت حصول به این برون‌دادها وجود دارد.

افزایش رقابت‌پذیری، متأثر از تمامی عواملی است که موجب ارتقای بهره‌وری و رفاه کشور شده و بالطبع، سیاست‌های تجاری و اعتباری نیز به عنوان مهمترین سیاست‌های موثر بر کارکرد، اهداف و راهبردهای بخش‌های مختلف اقتصادی نقشی موثر در این افزایش برعهده دارند و در نگاهی کلان، تمامی فعالیت‌های تجاری، بازرگانی، مالی و حتی صنعتی در قالب این سیاست‌ها قابل تعریف هستند. گستره‌ی اثرگذاری این سیاست‌ها به گونه‌ای است که بسیاری از سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف از آنها جهت پیشبرد اهداف اقتصادی و سیاسی خود بهره‌جسته و بعضاً از آن به عنوان ابزاری توانمند جهت حمایت از محصولات داخلی استفاده کرده‌اند. هرچند استفاده از این سیاست‌ها جهت حمایت از تولیدات داخلی، دیرینه‌ای به قدمت تاریخ علم اقتصاد داشته و بخش قابل توجهی از اقتصاددانان به نقد استفاده از این سیاست‌ها جهت توسعه اقتصادی پرداخته‌اند، لیکن مناقشه درخصوص بکارگیری یا عدم

بکارگیری آنها عملاً نتیجه‌ای مشخص در بر نداشته و امروزه نیز با وجود سیاست‌های تجاری تأیید شده توسط سازمان تجارت جهانی، اعمال تعرفه بر واردات و یا افزایش آن و اجرای سیاست جایگزینی واردات عملاً و به دفعات بکار گرفته می‌شود. در این مقاله، نخست به بررسی اجمالی ادبیات مربوط به رقابت‌پذیری و پیشینه آن و همچنین ارتباط آن با موضوع تجارت پرداخته شده و از میان ۱۲ رکن موجود در شاخص رقابت‌پذیری جهانی، دو رکن مرتبط با سیاست‌های تجاری و اعتباری توضیح داده شده است، سپس ارزیابی اجمالی ارکان ۱۲ گانه موجود در شاخص رقابت‌پذیری جهانی در ایران مورد بررسی قرار گرفته شده و اثرگذاری سیاست‌های تجاری و اعتباری در طول ۲۰ سال اخیر بر رشد اشتغالزدا بررسی شده است، در ادامه با استفاده از آخرین جدول داده‌ستانده کشور، نگرشی جدید به مفهوم زیربخش‌های کلیدی شده و تغییر در برخی از ابزارهای موجود در سیاست‌های تجاری و اعتباری، معطوف به زیربخش‌های منتخب اقتصادی و در جهت ایجاد رشد اشتغالزدا، ارائه شده است. در پایان نیز نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای سیاستی با هدف حمایت از تولیدات داخلی در مقابل تحریم‌های اقتصادی و توجه به بخش‌های کلیدی و اشتغالزدا مدنظر قرار گرفته است.

## ۲. مبانی نظری

رقابت‌پذیری (Competitiveness) در فرهنگ لغت عمومی آکسفورد (۲۰۱۶) به تمایلی قوی جهت کسب موفقیت تعریف شده است، لیکن این مفهوم از نظر علمی، مفهومی پیچیده، دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی بوده و واژه‌ای جدید در دانش اقتصاد به شمار می‌رود و به همین دلیل نیز تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده است. برخی آنرا شاخصی برای اندازه‌گیری مزیت یا عدم مزیت یک کشور در فروش محصولاتش در بازارهای بین‌المللی تعریف کرده‌اند (واحد آماری سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) (۲۰۱۴). بعضی نیز رقابت‌پذیری یک کشور را فروش کالاها و خدمات مطابق استانداردهای بین‌المللی جهت افزایش درآمد واقعی و بهبود کیفیت زندگی مردم در یک دوره بلندمدت می‌دانند (پورتر (Porter)، ۱۹۹۰). عده‌ای رقابت‌پذیری را توانایی کشورها در فروش محصولاتشان در بازارهای جهانی تعریف کرده‌اند (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD)، ۲۰۰۴). علاوه بر افراد، نهادهای مختلفی نیز به تعریف رقابت‌پذیری پرداخته‌اند؛ شورای رقابت‌پذیری آمریکا (U.S Council on Competitiveness) که از سال ۱۹۸۶ و در جهت توسعه

رقابت‌پذیری آمریکا تاسیس شده است، هدف خود از رقابت‌پذیری را افزایش بهره‌وری در بازارهای جهانی و ارتقای سطح زندگی مردم این کشور، تعریف کرده است (پورتر و وان‌اوپستال (Van Opstal)، ۲۰۰۱). به عقیده موسسه بین‌المللی توسعه مدیریت (International Institute for Management Development)، رقابت‌پذیری ملی نشان می‌دهد که چگونه ملت‌ها از توانایی‌های خود برای رسیدن به رفاه اقتصادی استفاده می‌کنند (بریس (Bris)، ۲۰۱۶).

در میان گستره‌ی تعاریف و عوامل موثر بر رقابت‌پذیری، مهمترین و کاربردی‌ترین تعریف، مربوط به مجمع جهانی اقتصاد است که رقابت‌پذیری را متأثر از تمامی عواملی می‌داند که موجب ارتقای بهره‌وری و رفاه کشور می‌شود (سالای‌مارتین و دیگران (Sala-I-Martin)، ۲۰۱۶). با وجود نوپایی این واژه، رقابت‌پذیری مفهوم رابطه تنگاتنگی با دو مفهوم تخصص‌گرایی و تجارت آزاد آدام اسمیت دارد که دارای ریشه‌ای تاریخی هستند (چو و مون (cho & Moon)، ۲۰۰۰). پورتر (۱۹۹۰) در کتاب مزیت رقابتی ملل بیان می‌کند که اگر کشورها بتوانند محیطی مناسب را برای کسب‌وکارها فراهم کرده و از آنها در بازارهای جهانی حمایت کنند، این عمل باعث افزایش رفاه مردم و رقابت‌پذیری کشورها می‌شود. کروگمان (۱۹۹۴) با رد نظریه پورتر، بر این عقیده است که ارتباط رفاه کشورها با موفقیت شرکت‌های آن کشور در بازارهای جهانی صرفاً یک فرضیه بوده و تجربه نیز آنرا تایید نمی‌کند به گونه‌ای که کشورها از منظر سطح رقابت‌پذیری، با یکدیگر رقابت نمی‌کنند و آمارها نیز نشان‌دهنده وجود رقابتی معنادار بین کشورها در حوزه رقابت‌پذیری نیست (همان). پوت (۲۰۰۰) با تایید نظر کروگمان، معتقد است که رقابت بین کشورها به معنای بازی با مجموع صفر نبوده و برنده واحدی ندارد. این بازی رقابتی (Competition Game) ترسیم‌کننده نوع عمل‌ها و عکس‌العمل‌های کشورها در مقابل یکدیگر نیست و صرفاً ترسیم‌کننده برنامه‌ی کشورها برای افزایش سطح رفاه مردم آن کشور است.

در میان نظریه‌های اقتصادی، نظریه‌های مرتبط با تجارت و سیاست‌های تجاری و اعتباری، توجه بیشتری به موضوع بهره‌وری داشته و با کمی اغماض سنگ‌بنای مفهوم رقابت‌پذیری به شمار می‌روند (چو و مون، ۲۰۰۰). بر این اساس، موضوع افزایش رفاه یک کشور از طریق ایجاد تراز تجاری مثبت با دیگر کشورها که توسط مرکانتیلیست‌ها مطرح شده است را می‌توان اولین نقطه ورود به حوزه رقابت‌پذیری در نظر گرفت. از نظر آنها، تراز تجاری منفی یک کشور نمادی از کاهش رفاه است. آدام اسمیت در کتاب

ثروت ملل (۱۷۷۶)، افزایش رفاه را صرفاً از طریق تولید تخصصی محصولاتی که کشورها در آنها مزیت مطلق دارند، تفسیر می‌کند که تولید تخصصی، باعث افزایش بهره‌وری و بهبود رفاه کشور می‌شود. ریکاردو (۱۸۱۷) با بسط نظریه مزیت مطلق، معتقد بود که کشورها هرچند ممکن است در یک کالا از مزیت مطلق جهت مثبت کردن تراز تجاری خود برخوردار نباشند، لیکن با تمرکز در تولید محصولاتی که مزیت نسبی نسبت به سایر کشورها دارند، می‌توانند رفاه خود را افزایش دهند. هکچر (Heckscher) (۱۹۱۹) و اوهلین (Ohlin) (۱۹۳۳) نیز معتقد بودند که تفاوت در رفاه کشورها ناشی از تفاوت در الگوی تجارت آنها است که خود ریشه در ترکیب منابع کشور دارد. لئونتیف (۱۹۵۳) با تکیه بر نظریه هکچر-اوهلین، چنین فرض کرد که آمریکا، به عنوان کشوری که بیشترین موجودی سرمایه را دارد، باید کالاهای سرمایه‌بر را صادر و کالاهای کاربر را وارد کند، لیکن بررسی داده‌های اقتصاد آمریکا توسط وی نشان داد که کالاهای وارداتی این کشور، ۳۰ درصد، سرمایه‌برتر از کالاهای صادراتی آن است که در تاییدکننده نظریه هکچر-اوهلین نبود. سایرین نیز با تکیه بر این نکته که نظریه هکچر-اوهلین، قادر به توضیح رخدادهای دنیای واقعی نیست، نظریاتی جهت توضیح الگوی تجارت کشورها ارائه کردند که از آن جمله می‌توان به نظریه چرخه تولید (Product Cycle) توسط ورنون (Vernon) (۱۹۶۶)، نظریه شباهت کشورها توسط لیندر (Linder) (۱۹۶۱) و نظریه تجارت بر اساس مقیاس اقتصادی توسط کروگمان (Krugman) (۱۹۷۹) و لانکستر (Lancaster) (۱۹۷۹) اشاره کرد (چو و مون، ۲۰۰۰، صص ۱۹-۳).

پورتر (۱۹۹۰) و کروگمان (۱۹۹۴) را می‌توان اولین اقتصاددانانی دانست که صورت مشخص به واکاوی واژه رقابت‌پذیری پرداختند. کروگمان معتقد است که نیازی به ارائه تعریف برای رقابت‌پذیری نیست و اساساً ارائه تعریف برای رقابت‌پذیری در سطح ملی فاقد معنی بوده و مقایسه رقابت‌پذیری ملی و منطقه‌ای با رقابت‌پذیری در سطح شرکت‌ها، اشتباه است (ماسکل و اسکالین (Eskelinen & Maskell)، ۱۹۹۸). وی بر این عقیده است که کاهش رقابت‌پذیری یک شرکت به معنی عدم توان آن شرکت در پرداخت هزینه‌ها و خروج آن از کسب‌وکار است، در حالیکه خروج یک کشور از کسب‌وکار بدلیل کاهش رقابت‌پذیری، فاقد معنی است و دولتمردان یک کشور گزینه‌ای غیر از پذیرش کاهش رقابت‌پذیری کشورشان ندارند. به نظر وی کشورها به جای تمرکز بر کسب بازارهای جهانی باید به افزایش بهره‌وری محصولات داخلی توجه کنند

و افزایش بهره‌وری داخلی کشورها تعیین‌کننده سطح رفاه کشور است نه کسب بازارهای جهانی (کروگمان، ۱۹۹۴).

طرح نظریه‌های مختلف درخصوص رقابت‌پذیری و نقد آنها، نشان‌دهنده پیچیدگی مفهوم رقابت‌پذیری بوده و همزمان نمایانگر آن است که نظریه‌های قدیمی تجارت که توضیح‌دهنده مکانیزم افزایش رفاه کشورها است، کافی نیست. پورتر (۱۹۹۰) به عنوان یکی از مهمترین نظریه‌پردازان مفهوم رقابت‌پذیری، بررسی رفاه کشورها را جهت توضیح مفهوم رقابت‌پذیری، با استفاده از نظریه‌های وقت تجارت، مدنظر قرار داد. وی جهت بررسی علت افزایش رفاه کشورها و کسب موفقیت صنایع در اقتصاد جهانی، به بررسی روند تغییرات رفاه ۱۰ کشور برتر جهان در حوزه تجارت بین‌المللی و در طی ۴ سال پرداخت و نتیجه مطالعات خود را این گونه بیان کرد که رقابت‌پذیری و رفاه، ذاتا در یک اقتصاد وجود ندارد بلکه خلق می‌شود و صنعت یک کشور در سطح ملی و به تبع بین‌المللی، زمانی موفق خواهد بود که از مزیت رقابتی در مقایسه با رقبای جهانی خود برخوردار باشد. وی چنین نتیجه گرفت، زمانی یک کشور در صنعتی مشخص، موفق می‌شود که محیط آن کشور برای توسعه آن صنعت، آینده‌نگر، پویا و با قابلیت مقابله با چالش‌ها تنظیم شده باشد.

واکاوی بیشتر مفهوم رقابت‌پذیری نشان می‌دهد که تا قبل از سال ۲۰۰۰، رقابت‌پذیری عمدتا به مفاهیم رشد اقتصادی نزدیک‌تر بوده و دو مفهوم رقابت‌پذیری و رقابت‌پذیری رشد (Growth Competitiveness)، یکسان بودند (پورتر، ساچ (Sachs)، وارنر (Warner)، کورنلیوس (Cornelius)، لوینسون (Levinson) و شواب (Schwab)، ۲۰۰۰). پورتر (۲۰۰۱) در سال ۲۰۰۱، تعریفی جدید از رقابت‌پذیری در سطح خرد ارائه داد که در نتیجه آن، رقابت‌پذیری به دو سطح رقابت‌پذیری کسب‌وکار و رقابت‌پذیری رشد تفکیک شد و در آن متغیرهای خرد در رقابت‌پذیری کسب‌وکار و متغیرهای کلان در رقابت‌پذیری رشد دسته‌بندی شدند. در سال ۲۰۰۳، پورتر و کتلز (Ketels)، شاخص دیگری ارائه کردند که طی آن، رقابت‌پذیری به معنای افزایش سطح رفاه یک شرکت با حداقل سطح بیکاری ممکن است (پورتر و کتلز، ۲۰۰۳). در تعریف سال ۲۰۰۷ از رقابت‌پذیری که توسط سالای‌مارتین و با همکاری مجمع جهانی اقتصاد ارائه شد، رقابت‌پذیری کسب‌وکار و رقابت‌پذیری رشد در یکدیگر ادغام شدند و شاخص واحدی تحت عنوان «شاخص رقابت‌پذیری جهانی» مطرح شد که امروزه مبنای اصلی اندازه‌گیری رقابت‌پذیری به شمار می‌رود (پورتر و شواب، ۲۰۰۷).

### ۳. مروری بر شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی و توانمندسازی تجاری

مجمع جهانی اقتصاد، برای تعیین وضعیت رقابت‌پذیری کشورها، سالیانه گزارشی تحت عنوان «گزارش رقابت‌پذیری جهانی» (The Global Competitiveness Report) و شاخصی تحت عنوان «شاخص رقابت‌پذیری جهانی» (Global Competitiveness Index) منتشر می‌کند که طی آن، وضعیت رقابت‌پذیری یک کشور در طول زمان و تغییرات آن با سایر کشورها به نمایش گذاشته می‌شود. این مجمع همچنین گزارشی تحت عنوان «گزارش توانمندسازی تجارت جهانی» (Enabling Trade Index) و شاخصی مرتبط با آن تحت عنوان «شاخص توانمندسازی تجاری» (Global Competitiveness Report) از سال ۲۰۰۸ منتشر می‌کند که وضعیت تجارت کشورها را در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد.

#### ۳-۱. شاخص رقابت‌پذیری جهانی

گزارش رقابت‌پذیری جهانی از سبقه‌ای دیرینه برخوردار بوده و تاکنون ۳۸ بار و از سال ۱۹۷۹ منتشر شده است، بررسی عوامل موثر بر توان کشورها در نیل به رشد اقتصادی پایدار و رفاه بلندمدت مدنظر قرار می‌گیرد. شاخص رقابت‌پذیری جهانی معیار بسیار جامعی برای اندازه‌گیری رقابت‌پذیری کشورها بوده و عوامل اصلی تعیین‌کننده رقابت در سطح اقتصاد خرد و کلان را مورد توجه قرار می‌دهد (جنتی‌فرد و نیک‌رفتار، ۱۳۹۰). در گزارش رقابت‌پذیری، دو عامل الف) تولید ناخالص داخلی سرانه و ب) میزان وابسته بودن کشورها به منابع طبیعی، جهت تعیین جایگاه کشورها در مراحل توسعه در نظر می‌گیرد که بر اساس این دو عامل، کشورها به سه مرحله از توسعه شامل الف) مرحله اول شامل کشورهای مبتنی بر عوامل تولید (Factor-driven)؛ ب) مرحله دوم شامل کشورهای مبتنی بر کارایی (Efficiency-driven)؛ و ج) مرحله سوم شامل کشورهای مبتنی بر نوآوری (Innovation-driven) تقسیم می‌شوند و کشورهایی که در بین دو مرحله از سه مرحله مذکور قرار می‌گیرند نیز به عنوان کشورهای در حال گذار به شمار می‌روند (مجمع جهانی اقتصاد (ب)، ۲۰۱۷-۲۰۱۶، صص ۲۴-۲۱).

توسعه‌یافتگی کشورها بر اساس شاخص رقابت‌پذیری جهانی

مرحله ۱: مبتنی بر عوامل	انتقال از مرحله ۱ به ۲	مرحله ۲: مبتنی بر کارایی	انتقال از مرحله ۲ به ۳	مرحله ۳: مبتنی بر نوآوری	
کمتر از ۲,۰۰۰	۲,۰۰۰-۲,۹۹۹	۳,۰۰۰-۸,۹۹۹	۹,۰۰۰-۱۷,۰۰۰	بیشتر از ۱۷,۰۰۰	تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار آمریکا)
۶۰٪	۴۰-۶۰٪	۴۰٪	۲۰-۴۰٪	۲۰٪	وزن برای الزامات اساسی
۳۵٪	۳۵-۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪	وزن برای عوامل محرک کارایی
۵٪	۵-۱۰٪	۱۰٪	۱۰-۳۰٪	۳۰٪	وزن برای عوامل محرک نوآوری

منبع: گزارش رقابت‌پذیری جهانی، ۲۰۱۷-۲۰۱۶

در گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۶، مجمع جهانی اقتصاد با تکیه بر نظرات سالای مارتین (Sala-i-Martin) در حوزه توسعه و رشد، شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI) را مطرح و که این شاخص‌ها در ۹ رکن و عبارتند از: (۱) نهادها، (۲) زیرساخت‌ها، (۳) اقتصاد کلان، (۴) بهداشت و آموزش ابتدائی، (۵) آموزش عالی و حرفه‌ای، (۶) کارایی بازار، (۷) آمادگی تکنولوژیک، (۸) تبحر و پیچیدگی کسب‌وکارها، و (۹) نوآوری.

این ۹ رکن بر اساس آخرین یافته‌های نظری و تجربی استخراج شده و هر یک به تنهایی متضمن رقابت‌پذیری نیستند. ارکان ۹ گانه فوق مرتبط با مراحل ۳ گانه توسعه قرار دارند به گونه‌ای که الف) کشورهای که در مقطع الزامات اساسی توسعه قرار دارند باید شاخص‌های نهادها، زیرساخت‌ها، اقتصاد کلان، و بهداشت و آموزش ابتدائی را داشته باشند، ب) کشورهای که مبتنی بر کارایی هستند باید شاخص‌های آموزش عالی و حرفه‌ای، کارایی بازار و آمادگی تکنولوژیک را برآورده سازند، و ج) کشورهای مبتنی بر نوآوری و تبحر نیز باید شاخص‌های تبحر و پیچیدگی کسب‌وکارها و نوآوری را داشته باشند (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۰۷-۲۰۰۶، صص ۱۵-۱۳).

در گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸، ارکان موثر بر رقابت‌پذیری به ۱۲ رکن افزایش یافت که در سه مرحله به شرح زیر قرار گرفتند: الف) اقتصادهای مبتنی بر منابع با شاخص‌های (۱) نهادها، (۲) زیرساخت‌ها، (۳) ثبات اقتصاد کلان، (۴) بهداشت و آموزش ابتدائی؛ ب) اقتصادهای مبتنی بر کارایی با شاخص‌های (۵) آموزش عالی و حرفه‌ای، (۶) کارایی بازار کالاها، (۷) کارایی بازار کار، (۸) کارایی بازار مالی، (۹) آمادگی



تکنولوژیک، ۱۰) اندازه بازار؛ ج) کشورهای مبتنی بر نوآوری با شاخص‌های ۱۱) تبحر و پیچیدگی کسب‌وکارها، ۱۲) نوآوری.

گزارش رقابت‌پذیری جهانی از حیث ارکان ۱۲ گانه آن و همچنین شاخص‌های تعیین شده در هر مرحله از توسعه و نسبتی که طی آن کشورها به مبتنی بر منابع، مبتنی بر کارایی و یا مبتنی بر نوآوری تقسیم می‌شوند، از سال ۲۰۱۲ تاکنون تقریباً بدون تغییر باقی مانده است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶-۲۰۱۲)، لیکن در سال ۲۰۱۶ مجمع جهانی اقتصاد با هدف تعیین رابطه بین رقابت‌پذیری و رشد فراگیر و همچنین توزیع مناسب‌تر منافع حاصل از رشد اقتصادی در میان اقشار بیشتری از مردم، «گزارش رشد و توسعه فراگیر» (Inclusive Growth and Development Report) را منتشر کرد که در آن، چارچوب کلی رشد و توسعه فراگیر در ۷ رکن و ۱۵ شاخص توضیح داده شده است و با رویکردی که مجمع در خصوص ارابه شاخصی جامع جهت پوشش تمامی حوزه‌های مرتبط با مفهوم رقابت‌پذیری دارد، در گزارش‌های آتی این مجمع، مفهوم رشد فراگیر و شاخص‌ها و آمارهای آن و همچنین وضعیت کشورها تفصیل بیشتری خواهد یافت (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶-۲۰۱۵، صص ۶-۳). این گزارش هم‌اکنون برای بیش از ۱۴۰ کشور که ۹۸,۳ درصد از تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارند و همچنین مشارکت بیش از ۱۴,۰۰۰ نفر از مدیران در این کشورها، منتشر می‌شود (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶-۲۰۱۵، ص ۵). شاخص رقابت‌پذیری جهانی ترکیبی از ۱۲ رکن و بیش از ۱۱۴ زیرگروه دیگر است که همگی بر بهره‌وری موثرند لیکن به تنهایی تعیین‌کننده سطح رقابت‌پذیری یک کشور نیستند. نمراتی که هر کشور در شاخص‌ها و زیرگروه‌ها بدست می‌آورد با توجه به وزن هر یک از شاخص‌ها به صورت موزون ترکیب شده و نمره رقابت‌پذیری آن کشور را تعیین می‌کند که این نمره هرچه بیشتر باشد دلالت بر رقابت‌پذیری بیشتر اقتصاد آن کشور دارد.

### ۲-۳. مروری بر شاخص توانمندسازی تجاری

گزارش توانمندسازی تجارت جهانی‌ها سال ۲۰۰۸ به صورت دوسالانه توسط مجمع جهانی اقتصاد ارائه می‌شود و به صورت کلی به بررسی رقابت‌پذیری در صادرات، توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی، یکپارچگی بازارها و رشد اقتصادی کشورها می‌پردازد. شاخص توانمندسازی تجاری، شامل ۷ مولفه دسترسی به بازارهای داخلی، دسترسی به بازارهای خارجی، کارایی و شفافیت ترتیبات اداری در مرزها،

قابلیت و کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، کیفیت خدمات حمل‌ونقل، دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و محیط عملیاتی است.

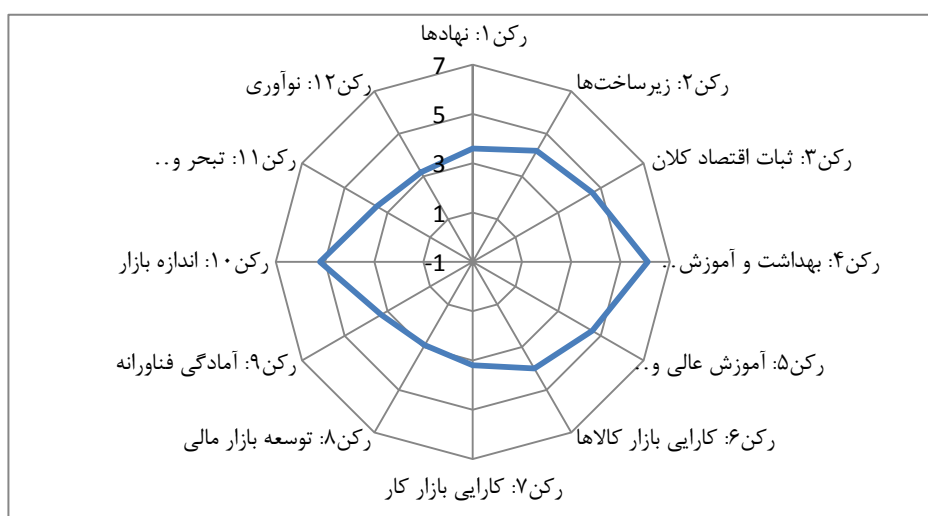
چارچوب کلی شاخص توانمندسازی تجاری

معیارهای ارزیابی	ارزیابی موانع تعرفه‌ای که صادرکنندگان یک کشور در بازار مقاصد صادراتی با آن روبرو هستند.	معیار ۱- دسترسی به بازار خارجی	اندازه‌گیری گستردگی و پیچیدگی نظام تعرفه، موانع تعرفه‌ای و ترجیحاتی که صادرکنندگان در بازارهای خارجی از آن بهره‌مند می‌شوند.	زیرشاخص A دسترسی به بازار
	ارزیابی میزان و پیچیدگی حمایت‌های تعرفه‌ای به عنوان نتیجه سیاست‌های تجاری	معیار ۲- دسترسی به بازار داخلی		
معیارهای ارزیابی	ارزیابی کیفیت، شفافیت و بهره‌وری مدیریت مرزهای یک کشور	معیار ۳- کارایی و شفافیت مدیریت مرزی		زیرشاخص B مدیریت مرزی
	سنجش قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت‌های داخلی برای هریک از اشکال چهارگانه حمل‌ونقل (جاده‌ای، هوایی، ریلی و دریایی) و بررسی قابلیت اتصال خطوط هوایی و ارتباط خطوط زمینی	معیار ۴- قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل	ارزیابی قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل یک کشور، خدمات مرتبط و زیرساخت‌های ارتباطی که برای تسهیل انتقال کالا در داخل کشور و سراسر مرزهای آن ضروری است	زیر شاخص C زیرساخت
	سنجش قابلیت دسترسی و کیفیت سرویس‌های حمل‌ونقلی از جمله میزان حضور شرکت‌های خدمات حمل‌ونقل و کشتیرانی در یک کشور و کیفیت خدمات آنها، همچنین سهولت، هزینه و به موقع بودن حمل‌ونقل	معیار ۵- قابلیت دسترسی و کیفیت خدمات حمل‌ونقل		
	ارزیابی، قابلیت دسترسی و کیفیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در یک کشور	معیار ۶- قابلیت دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT		
	ارزیابی محیط عملیاتی یک کشور که به طور قابل توجهی ظرفیت شرکت‌هایی که به صادرات، واردات، تجارت یا انتقال کالا برای کسب‌وکار می‌پردازند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	معیار ۷- محیط عملیاتی		زیرشاخص D محیط عملیاتی

#### ۴. مروری بر وضعیت رقابت‌پذیری و توانمندی تجاری ایران

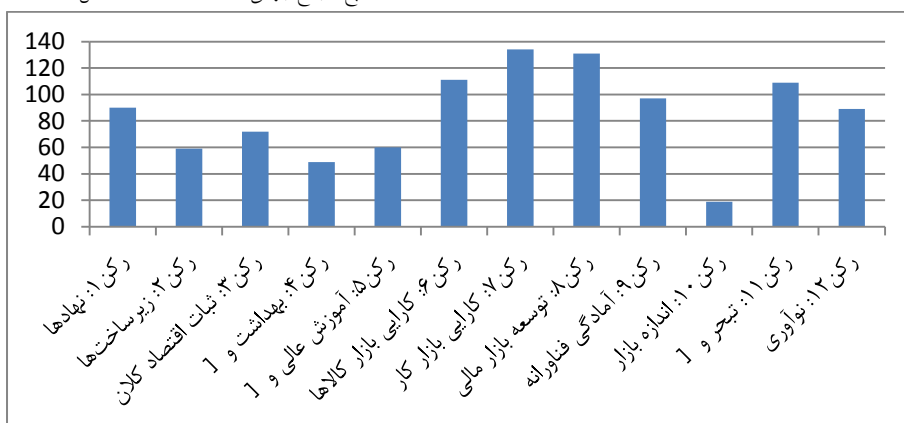
مجمع جهانی اقتصاد جهت تدوین شاخص رقابت‌پذیری جهانی از همکاری سازمان‌های منتخب در کشورهای مختلف استفاده می‌کند و در ایران نیز در سال ۱۳۸۷ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به عنوان همکار مجمع جهانی اقتصاد

همکاری خود را شروع و پس از سه سال همکاری با این مجمع، وضعیت رقابت‌پذیری ایران در گزارش سال ۱۳۹۰ تهیه و پس از آن نیز به صورت مستمر برای ایران ارایه می‌شود. ارکان ۱۲ گانه مندرج در شاخص رقابت‌پذیری جهانی، پس از کمی‌سازی، در محدوده ارقام ۱ تا ۷ رتبه‌بندی می‌شوند که هرچه مقدار این ارکان به رقم ۷ نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده رقابت‌پذیری بیشتری ایران در آن رکن است و بر اساس امتیاز کسب شده در میان سایر کشورها رتبه‌بندی می‌شود.



نمره رقابت‌پذیری ایران در ارکان ۱۲ گانه طی سال‌های ۲۰۱۶-۱۷

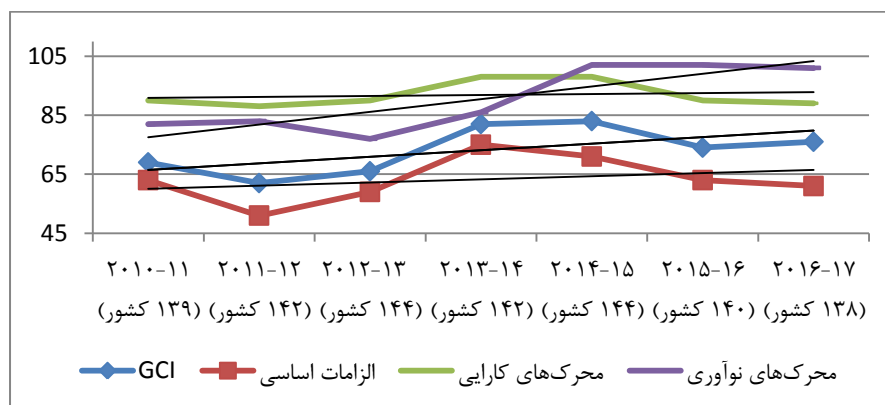
منبع: مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶-۲۰۱۷، ص ۲۰۶



رتبه رقابت‌پذیری ایران در میان ۱۳۸ کشور طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷

منبع: مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶-۲۰۱۷، ص ۲۰

بررسی داده‌های رقابت‌پذیری ایران طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ نشان می‌دهد که انحراف معیار رکن‌های اندازه بازار و بهداشت و آموزش ابتدائی بسیار کم و انحراف معیار رکن ثبات اقتصاد کلان بسیار زیاد بوده است. به عبارت دیگر وضعیت بهداشت و آموزش ابتدائی و اندازه بازار باثبات‌ترین و وضعیت اقتصاد کلان بی‌ثبات‌ترین مولفه‌های موثر بر رقابت‌پذیری ج.ا.ایران طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ بوده و وضعیت توسعه بازار مالی به عنوان مهمترین مولفه متأثر از سیاست‌های اعتباری نیز طی سال‌های مورد اشاره، بی‌ثبات بوده است.

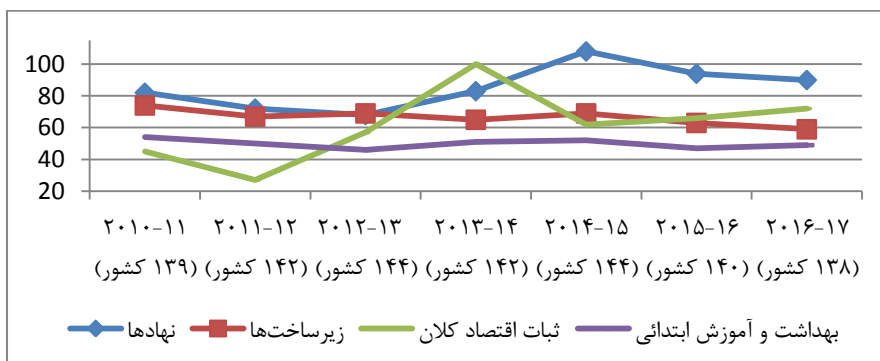


#### رتبه رقابت‌پذیری ایران طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷

منبع: محاسبات تحقیق، برگرفته شده از گزارش رقابت‌پذیری جهانی طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۷

بررسی رتبه رقابت‌پذیری ایران و زیرگروه‌های آن نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با سایر کشورها، جایگاه خود در رقابت‌پذیری بین‌المللی را طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷ از دست داده است. رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی، طی این سال‌ها بهبود نیافته و جایگاه ایران در الزامات اساسی و محرک‌های کارایی نیز تقریباً بدون تغییر مانده است، همچنین رتبه ایران در محرک‌های نوآوری وخیم‌تر شده و از رتبه ۸۲ در سال ۲۰۱۰ به رتبه ۱۰۱ در سال ۲۰۱۷، تنزل یافته است. در این میان، تنزل رتبه ایران و وخیم‌شدن جایگاه رقابت‌پذیری ایران در عرصه بین‌الملل در میان محرک‌های کارایی، با روندی خزانده و در میان محرک‌های نوآوری با روندی شتابان صورت می‌پذیرد که خود نشان‌دهنده اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد در توسعه نوآوری در کشور و همچنین

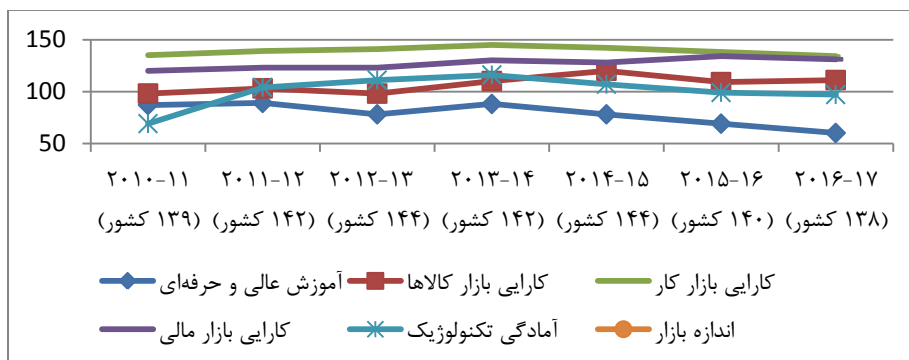
بهبود توانمندی کسب‌وکارها است. از سوی دیگر روند خزننده محرک‌های کارایی نیز نمایانگر بی‌تاثیر بودن سیاست‌های اتخاذ شده جهت افزایش کارایی بازارهای کار، کالا و مالی است.



رتبه ایران در زیرگروه الزامات اساسی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷

منبع: محاسبات تحقیق، برگرفته شده از گزارش‌های رقابت‌پذیری جهانی طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۷

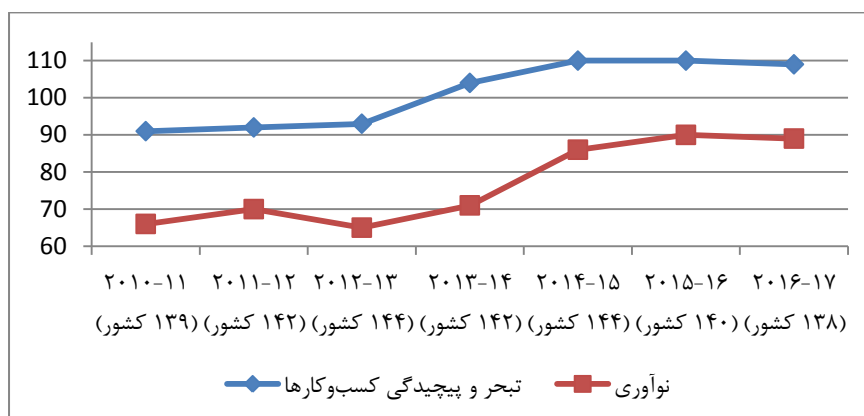
در زیرگروه الزامات اساسی، ۴ رکن شامل زیرساخت‌ها، نهادها، بهداشت و آموزش ابتدائی، و ثبات اقتصاد کلان دیده می‌شود که در میان آنها، صرفاً وضعیت زیرساخت‌ها با رشدی کند طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷، بهبود یافته است. رتبه ایران در بهداشت و آموزش ابتدائی طی این سال‌ها تقریباً بدون تغییر مانده و رتبه نهادها و وضعیت اقتصاد کلان نیز تنزل قابل توجهی را تجربه کرده است.



رتبه ایران در زیرگروه محرک‌های کارایی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷

منبع: محاسبات تحقیق، برگرفته شده از گزارش‌های رقابت‌پذیری جهانی طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۷

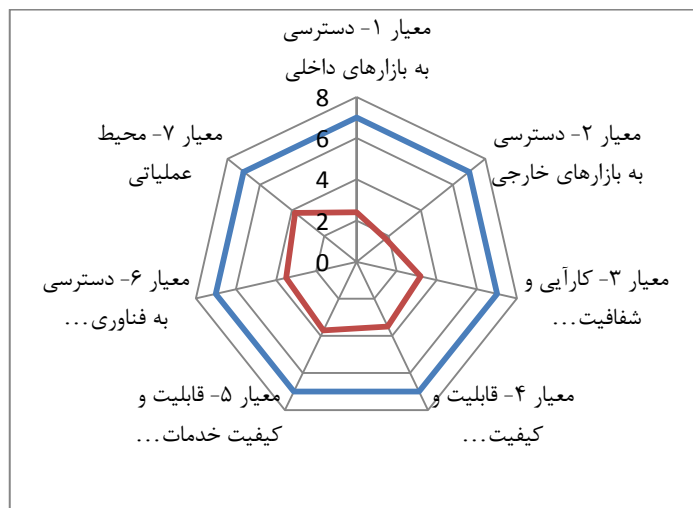
وضعیت کلی محرک‌های کارایی در سالیان اخیر نشان‌دهنده ثابت بودن این زیرگروه در شاخص رقابت‌پذیری جهانی است که تقریباً تمامی ارکان این زیرگروه نیز شامل کارایی بازار کالاها، کارایی بازار مالی، کارایی بازار کار، اندازه بازار، آموزش عالی و حرفه‌ای، و آمادگی تکنولوژیک کاهش رشدی ناچیز را تجربه کرده‌اند. فقط در رکن آموزش عالی و حرفه‌ای، روندی مثبت از رشد و بهبود طی سال‌های ۱۷-۲۰۱۰ دیده می‌شود.



رتبه ایران در زیرگروه محرک‌های نوآوری طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷

منبع: محاسبات تحقیق، برگرفته شده از گزارش‌های رقابت‌پذیری جهانی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۷

زیرگروه محرک‌های نوآوری در دو دسته قبل از ۲۰۱۳ و پس از آن تقسیم می‌شوند که تا سال ۲۰۱۳ محرک‌های نوآوری، جایگاه خود را در سطح بین‌الملل حفظ کرده‌اند ولی وضعیت متغیرهای ذیل آن پس از سال ۲۰۱۳ رو به وخامت گذاشته و رتبه ایران کاهش می‌یابد.



شاخص توانمندسازی تجاری ایران در سال ۲۰۱۶

منبع: مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶

همانطور که در نمودارهای فوق دیده می‌شود، ایران در رکن‌های کارایی بازار کار و کارایی بازار مالی (مربوط به شاخص رقابت‌پذیری) و همچنین دسترسی به بازارهای خارجی و داخلی (مربوط به شاخص توانمندسازی تجاری) از وضعیت خوبی برخوردار نبوده است، بویژه آنکه جایگاه ایران در رکن‌های کارایی بازار کار و مالی، طی ۱۰ سال اخیر، کاهشی قابل توجه را تجربه کرده است. بخشی از این موضوع ناشی از توجه زیاد سیاست‌گذاران به سیاست‌های افزایش‌دهنده رشد اقتصادی، بدون توجه به برون‌داد حاصل از رشد و سرریز منافع حاصل از آن بر افزایش درآمد طبقات و زیربخش‌های مختلف اقتصادی و یا سرریز آن بر کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال پایدار بوده است. این موضوع به پدیده رشد بدون اشتغال یا رشد اشتغالزدا (Jobless Growth) یاد می‌شود، بر این اساس رکورد اقتصادی حتما باعث افزایش بیکاری می‌شود لیکن نقطه مقابل آن یعنی رشد اقتصادی، لزوما باعث بهبود وضعیت اشتغال و کاهش بیکاری نخواهد شد و این موضوع، نقطه ورود سیاست‌گذاری مربوط به توسعه اشتغال پایدار به شمار رفته و در سال‌های اخیر یکی از مشکلات جدی بسیاری از کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود [۱].

نخستین بار اصطلاح رشد بدون اشتغال در گزارش توسعه انسانی (۱۹۹۳) مربوط به برنامه توسعه سازمان ملل بکار گرفته شد و منظور از آن نیز افزایش در اشتغال با وقفه

زمانی نسبت به افزایش در تولید بود. در این گزارش رشد اشتغال کمتر نسبت به رشد سطح تولید، به عنوان رشد بدون اشتغال تعریف شد. در گزارش اشتغال جهانی (۲۰۰۵-۲۰۰۴) و سازمان بین‌المللی کار نیز به رشد بدون اشتغال مورد اشاره واقع است. ارتباط بین دو متغیر رشد تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) و رشد اشتغال را می‌توان در چهار حالت مورد بررسی قرار داد. شکل زیر نشان‌دهنده ترکیب‌های مختلف ممکن از رشد اشتغال و رشد اقتصادی است. نواحی ۳ و ۴ نشان‌دهنده نرخ‌های رشد بالای تولید بوده و نواحی ۱ و ۲ نشان‌دهنده نرخ‌های رشد پایین تولید هستند و ناحیه سوم مربوط به رشد بدون اشتغال و ناحیه چهارم مربوط به رشد اشتغال‌زا (رشد با اشتغال) است.

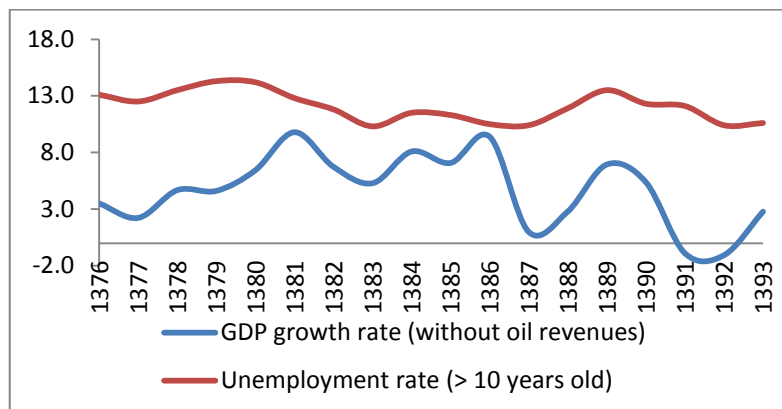


ترکیب رشد تولید و رشد اشتغال

Source: Islam, R. (2010)

رشد بدون اشتغال یکی از اصلی‌ترین مشکلات اقتصاد ایران بوده و یافتن راه حلی برای کاهش نرخ بیکاری همواره و در طول برنامه‌های توسعه مد نظر سیاستگذاران ایران قرار داشته است. لیکن رشد اقتصادی تکافوی افرادی که به عرضه‌کنندگان نیروی کار اضافه می‌شوند را تاکنون نداده است. رابطه معکوس بین تغییرات نرخ بیکاری و رشد اقتصادی، نخستین بار توسط اوکان بیان شد و به عنوان قانون اوکان شناخته شده است. طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۲ اقتصادی ایران با توجه به نمودار زیر در دو مولفه مذکور در دو سمت مجزا به پیش می‌رود.





روند حرکتی دو متغیر رشد اقتصادی و تغییرات نرخ بیکاری طی دوره ۹۲-۱۳۸۰

منبع: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، ۱۳۹۴

بیکاری از دیر باز یکی از مهمترین مشکلات اقتصاد ایران بوده و تدوین قوانین مختلف جهت کاهش بیکاری در برنامه های اول تا ششم توسعه اقتصادی و سیاست های مختلف همانند سیاست های کلی اشتغال، ابلاغی مقام معظم رهبری، نشان می دهد که این معضل، یکی از پیچیده ترین موضوعات سیاست گذاری کشور بوده است. تجربه کشور نیز نشان داده است که توجه صرف به مسئله رشد و افزایش ارزش افزوده بخش های اقتصادی، مشکل اشتغال در اقتصاد ایران را حل نکرده و ضروری است دولت در تدوین سیاست های اقتصادی علاوه بر افزایش ارزش افزوده و رشد اقتصادی توجه جدی نیز به ایجاد اشتغال ناشی از این سیاست ها نیز داشته باشد. بر این اساس هر چند بخش های مختلف اقتصادی از نظر تاثیر مستقیم در رشد اقتصادی و افزایش ارزش افزوده به بخش های کلیدی و غیر کلیدی تقسیم می شوند و همواره جهت افزایش رشد اقتصادی و ارزش افزوده، از بخش های کلیدی حمایت می شود لیکن میزان اشتغالی بخش های کلیدی کمتر بررسی شده و اثر گذاری حمایت از این بخش ها در ایجاد اشتغال بررسی نشده است، لذا در ادامه زیربخش های کلیدی به گونه ای تعریف شده است که افزایش همزمان رشد (ارزش افزوده) اقتصادی و اشتغال را بدنبال داشته باشد.

##### ۵. روش شناسی انتخاب زیربخش های کلیدی با هدف رشد اشتغالزا

در این قسمت با استفاده از آمار مربوط به اشتغال و اطلاعات حاصل از جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۰ و اشتغال حاصل از فعالیت های تولیدی بخش ها، سهم هریک از این

بخش‌ها در ایجاد اشتغال و تولید ناخالص داخلی کشور بررسی شده است. به منظور ریشه‌یابی تفاوت بخش‌ها در کاهش تولید و ایجاد اشتغال در اثر اعمال سیاست افزایش خالص صادرات برای هر فعالیت، بخش‌ها به تفکیک مورد مطالعه قرار گرفته و برای این منظور ابتدا به شناسایی بخش‌های کلیدی تولیدی و اشتغال پرداخته شده و سپس اثر تحریم‌ها بر ۳۰ درصد کاهش در واردات کالاهای سرمایه‌ای و اثرات آن بر روی تولید و اشتغال بخش‌ها بررسی و در نهایت اثر برخی از سیاست‌های تجاری و اعتباری بر ایجاد رشد اشتغال محاسبه شده است.

### ۱-۵. بخش‌های کلیدی

تابع تولید در الگوی داده - ستانده از نوع لئونتیف و با بازده به مقیاس ثابت فرض می‌شود [۲]، به بیان دیگر در مدل «لئونتیف» (۱۹۳۶، ۱۹۶۷) فرض شده است که همه نهادها توسط تولیدکنندگان، در نسبت‌های ثابت و در حالیکه تابع تولید از نوع نهاده‌های مکمل می‌باشد، خریداری می‌شوند. که این همان الگوی تقاضا محور (demand-driven) لئونتیف است. در این الگو اگر سرمایه‌گذاری در یک بخش کاهش یابد، سبب کاهش تقاضا از محصولات سایر بخشها (به عنوان نهاده واسطه) و کاهش تقاضا برای نیروی کار (به عنوان عامل تولید) می‌شود. با استفاده از روابط و ادبیات موجود در اقتصاد داده - ستانده با محاسبه ماتریس ضرایب فزاینده و ضرب آن در بردار تقاضای نهایی بعد از کاهش سرمایه‌گذاری در هر بخش، کاهش تولید و اشتغال محاسبه شده است.

### ۱-۱-۵. ضرایب فزاینده تولید

ابتدا و به جهت ورود به مرحله محاسبات تحقیق، از رابطه اساسی جدول داده - ستانده استفاده می‌شود:

$$\hat{X} = A\hat{X} + \hat{F} \quad (1)$$

که  $\hat{X}$  ماتریس قطری ستانده کل،  $A = \left[ a_{ij} = \frac{X_{ij}}{X_j} \right]$  ماتریس ضرایب فنی و  $\hat{F}$  نیز ماتریس قطری تقاضای نهایی برای تولیدات بخش‌ها را نشان می‌دهند [۳]. در این

صورت معمولاً  $\hat{X}$  درون‌زا است که برحسب  $A$  ماتریس ضرایب فنی و  $\hat{F}$  متغیر برون‌زا محاسبه می‌گردد.

$$\hat{X} = (I - A)^{-1} \times \hat{F} = C \times \hat{F} \quad (۲)$$

در رابطه فوق  $C$  معکوس ماتریس لئونتیف (ماتریس ضرایب فزاینده) است که تاثیر تقاضای نهایی برای تولیدات بخش‌ها را در سطح تولید کل بخش‌های مورد نظر نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، جمع ستونی عناصر ماتریس  $C$  توان تولیدی بخش‌ها را نشان داده و میزان تولید بخش‌های اقتصادی مورد مطالعه برای پاسخگویی به یک واحد افزایش تقاضای نهایی را نشان می‌دهد.

$$C = \begin{bmatrix} c_{11} & \dots & c_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ c_{n1} & \dots & c_{nn} \end{bmatrix} \rightarrow TBL_j = \sum_{i=1}^n c_{ij} \quad (۳)$$

$TBL_j$  شاخص پیوند کلی پسین برای بخش  $j$  است که از جمع ستونی عناصر ماتریس معکوس لئونتیف بدست می‌آید، این شاخص نشان می‌دهد به ازای یک واحد افزایش در تقاضای نهایی بخش  $j$ ، تولید در کل اقتصاد چقدر افزایش خواهد یافت. در ادامه، برای محاسبه‌ی پیوند کلی پیشین از الگوی عرضه محور گش استفاده می‌شود:

$$\hat{X} = B\hat{X} + \hat{V} \quad (۴)$$

$B$ ، ماتریس ضرایب ستانده و  $V$  ماتریس قطری ارزش افزوده را نشان می‌دهد:

$$\hat{X} = \hat{V} \times (I - B)^{-1} = \hat{V} \times G \quad (۵)$$

$G$ ، ماتریس معکوس گش است که تاثیر ارزش افزوده‌ی بخش‌ها را روی تولید کل نشان می‌دهد.

$$G = \begin{bmatrix} g_{11} & \dots & g_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ g_{n1} & \dots & g_{nn} \end{bmatrix} \rightarrow TFL_i = \sum_{j=1}^n g_{ij} \quad (۶)$$

$TFL_i$  شاخص ارتباط کلی پیشین برای بخش  $i$  است که از جمع سطری عناصر ماتریس معکوس گش بدست می‌آید و نشان دهنده‌ی تاثیرات افزایش یک واحدی ارزش افزوده‌ی بخش  $i$ ، در تولید کل اقتصاد است.

برای تعیین بخش‌های کلیدی از شاخص‌های نرمال شده (هیرشمن - راسموسن)

استفاده می‌کنیم:

$$TBL_j^n = \frac{n.TBL_j}{\sum_{j=1}^n TBL_j} \quad (۷)$$

شاخص فوق که به شاخص قدرت انتشار نیز موسوم است، چنانچه برای یک بخش بزرگتر از واحد باشد، بدین معناست که افزایش تقاضای نهایی آن بخش نسبت به سایر بخش‌ها، کل نظام اقتصادی را بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهد.

$$TFL_i^n = \frac{n.TFL_i}{\sum_{i=1}^n TFL_i} \quad (۸)$$

این شاخص، شاخص حساسیت پراکندگی نامیده می‌شود. و اگر بزرگتر از واحد باشد، نشان می‌دهد که افزایش ارزش افزوده‌ی بخش مورد نظر اثرات بیشتری را نسبت به سایر بخش‌ها بر تولید کل اقتصاد، دارا می‌باشد. بخش کلیدی در اقتصاد به بخشی گفته می‌شود که هر دو شاخص نرمال شده‌ی آن (قدرت انتشار و حساسیت پراکندگی) بزرگتر از واحد باشد.

#### ۵-۱-۲. ضرایب فزاینده اشتغال

برای محاسبه نیروی کار شاغل در تولید، ضرایب اشتغال مستقیم بخش‌ها به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$l_j = \frac{L_j}{X_j} \Rightarrow L_j = l_j \times X_j \quad (۹)$$

$L_j$  تعداد شاغلین در بخش  $j$ ،  $X_j$  هزینه کل نهاده‌های به کار رفته در بخش  $j$  که با توجه به فروض اساسی داده - ستانده با ارزش تولیدات این بخش برابر است و بالاخره  $l_j$  تعداد شاغلین مورد نیاز به ازای هر واحد (پولی) از تولیدات بخش  $j$  را نشان می‌دهد. شکل ماتریسی رابطه (۳) به صورت زیر است:

$$\hat{L} = \hat{l} \times \hat{X} \quad (۱۰)$$

$\hat{L}$  ماتریس قطری  $n \times n$  ضرایب اشتغال مستقیم و  $\hat{L}$  ماتریس  $n \times n$  اشتغال به تفکیک بخش‌ها می‌باشد. قطر اصلی ماتریس  $\hat{L}$  اشتغال مستقیم ایجاد شده جهت پاسخ دادن به تقاضای نهایی برای تولیدات بخش‌ها را نشان می‌دهد. اما دیگر عناصر سطرهای این ماتریس، اشتغال غیرمستقیم ناشی از تامین نهاده به وسیله بخش‌ها برای پاسخ دادن به تقاضای نهایی برای تولیدات دیگر بخش‌های اقتصاد می‌باشد. به این ترتیب، جمع

سطری این ماتریس، کل اشتغال ایجاد شده در بخش‌های مختلف را نشان می‌دهد. با جایگذاری رابطه (۲) در رابطه (۱۰)، رابطه (۱۱) حاصل می‌شود:

$$\hat{L} = \hat{l} \times C \times \hat{F} \quad (11)$$

با توجه به رابطه (۱۱)، اشتغال‌زایی بخش‌ها به سه عامل بستگی دارد [۴]. عامل اول،  $\hat{l}$ ، ضرایب اشتغال‌زایی مستقیم بخش‌ها، عامل دوم، ضریب فزاینده تولید بخش‌ها که در قالب  $C$ ، معکوس ماتریس لئونتیف دیده می‌شود و بالاخره عامل موثر سوم در ایجاد اشتغال در بخش‌ها،  $\hat{F}$  است که کالای نهایی تولید شده در بخش‌ها را نشان می‌دهد. با جایگذاری رابطه (۵) در رابطه (۱۰)، رابطه (۱۲) حاصل می‌شود:

$$\hat{L} = \hat{V} \times G \times \hat{l} \quad (12)$$

جمع ستونی ماتریس  $\hat{l} \times G$  ضرایب اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در اثر تقاضای نهایی و جمع سطری ماتریس  $G \times \hat{l}$  ضرایب اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در اثر ارزش افزوده بخش‌ها را نشان می‌دهد. همانند ضرایب تولیدی با نرمال کردن این ضرایب، بخش‌های کلیدی از منظر اشتغال بدست می‌آیند.

## ۵-۲. کاهش تولید و اشتغال

حال به منظور بررسی آثار کاهش واردات سرمایه‌ای برای هر یک از بخش‌های اقتصادی و در کل اقتصاد از رابطه (۱۳) استفاده می‌شود. در اینجا فرض می‌شود اگر تقاضای نهایی تغییر یابد و این تغییر از ناحیه کاهش سرمایه‌گذاری باشد، نتایج آن چگونه است:

$$\Delta X = (I - A)^{-1} \times \Delta F_i = C \times \Delta F_i \quad (13)$$

$$\Delta F_i = \Delta I_i \quad (14)$$

لازم به ذکر است اعداد جدول داده - ستانده بر حسب میلیون ریال می‌باشد و در اینجا فرض می‌شود ۳۰ درصد سرمایه‌گذاری هر بخش به علت تحریم و کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای کاهش یابد. این رابطه نشان می‌دهد اگر سرمایه‌گذاری در بخش  $i$ ، ۳۰ درصد کاهش پیدا کند تولید هر بخش چقدر کاهش پیدا می‌کند. برای بدست آوردن نتیجه، سرمایه‌گذاری تمام ۷۷ بخش بصورت برونزا کاهش می‌دهیم سپس نتایج ۷۷ بخش را با هم مقایسه می‌کنیم. همانگونه که قبلاً توضیح داده شد، با کاهش سرمایه‌گذاری در یک بخش، هم تولید و هم اشتغال کاهش می‌یابد. با جایگذاری رابطه

(۱۳) در رابطه (۱۱) کاهش اشتغال در اثر کاهش سرمایه‌گذاری در هر یک از بخشهای اقتصادی بدست می‌آید. همانند کاهش تولید برای اشتغال نیز داریم:

$$\Delta \hat{L} = \hat{L} \times \Delta X = \hat{L} \times C \times \Delta \hat{F} \quad (15)$$

رابطه (۱۵) نشان می‌دهد که با کاهش سرمایه‌گذاری در هر بخش، به چه میزان اشتغال از دست می‌رود.

### ۶. تحلیل نتایج تحقیق

در اثر اعمال تحریم‌ها و با فرض کاهش ۳۰ درصدی واردات کالاهای سرمایه‌ای در همه بخشهای اقتصادی، ۱۰ بخشی که بیشترین کاهش تولید و ۱۰ بخشی که بیشترین کاهش در اشتغال برخوردار می‌باشند در جداول زیر نشان داده شده است. در جداول زیر کاهش تولید بر حسب میلیارد ریال و افزایش اشتغال بر حسب نفر محاسبه شده است.

کاهش ۳۰ درصدی واردات کالاهای سرمایه‌ای و اثرات تولیدی				
رتبه	بخش	کاهش تولید	بخش کلیدی	بخش کلیدی اشتغال
۱	ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و قطعات و وسایل الحاقی آنها	۲۴۵,۷۷۶	*	
۲	فلزات اساسی	۱۴۵,۹۷۱	*	
۳	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، به جز وسایل نقلیه‌ی موتوری و موتورسیکلت	۱۰۲,۵۰۶		
۴	ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۱۰۰,۸۲۴	*	
۵	ساخت، تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۶۴,۱۵۷	*	
۶	حمل و نقل زمینی بار بجز راه آهن	۳۲,۹۷۲		
۷	ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی	۲۷,۷۴۷	*	
۸	ساخت مواد و فرآورده‌های شیمیایی	۲۳,۴۶۱	*	
۹	ساخت کُک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت	۲۰,۸۶۸		
۱۰	کشاورزی، باغداری و جنگل	۲۰,۵۶۱	*	

کاهش ۳۰ درصدی واردات کالاهای سرمایه‌ای و اثرات اشتغال			
رتبه	بخش	کاهش اشتغال	بخش کلیدی تولید
۱	عمده فروشی و خرده‌فروشی، به جز وسایل نقلیه‌ی موتوری و موتورسیکلت	۲۳۵,۶۱۵	
۲	ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۲۳۳,۴۲۹	*
۳	ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و قطعات و وسایل الحاقی آنها	۱۵۲,۶۲۳	*
۴	کشاورزی، باغداری و جنگل	۱۳۰,۴۱۶	*
۵	فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت	۱۰۲,۵۲۸	*
۶	ساخت، تعمیر و نصب ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۹۳,۳۱۰	*
۷	حمل و نقل زمینی بار بجز راه آهن	۸۵,۳۵۴	
۸	فلزات اساسی	۷۰,۵۵۶	*
۹	خدمات دلالاتن املاک و مستغلات	۶۵,۲۸۴	*
۱۰	ساخت مبلمان	۳۹,۵۱۴	

همانگونه که در جداول فوق نشان داده شده است، در اثر کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای در بخش‌های مختلف، اثر یکسانی بر تولید و اشتغال دیده نخواهد شد. بیشترین کاهش تولید در اثر کاهش سرمایه‌گذاری در بخشهای ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری / فلزات اساسی / عمده فروشی و خرده‌فروشی و بیشترین کاهش اشتغال در

بخش‌های عمده فروشی و خرده‌فروشی / ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی / ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری بوده است.

در اثر کاهش سرمایه‌گذاری در بخشها، ۷ بخشی که بیشترین کاهش تولید را داشته‌اند زیر بخش‌های صنعت بوده است. این نشان می‌دهد که بخش‌های صنعتی در کشور بیش از سایر بخشها نیاز به سرمایه‌گذاری دارند. اما از منظر اشتغال، از ده بخشی که در اثر کاهش واردات سرمایه‌ای بیشترین فرصت‌های شغلی از دست رفته را داشته‌اند، ۵ بخش مربوط به زیر بخش‌های بخش صنعت می‌باشد.

بیشترین بخش‌های کلیدی از منظر تولیدی مربوط به زیر بخش‌های صنعت ولی بیشترین بخش‌های کلیدی از منظر اشتغال مربوط به زیربخش‌های خدمات بودند. تنها سه بخش ساخت چوب/ساخت کاغذ/خدمات برنامه‌نویسی و فعالیت‌های مربوط به رایانه بودند که هم از منظر تولید و هم از منظر اشتغال کلیدی بودند.

تحریم‌ها بیشترین اثر را هم از منظر تولید و هم از منظر اشتغال بر بخش‌های ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری/ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی/ساخت، تعمیر و نصب ماشین‌آلات/فلزات اساسی/عمده‌فروشی و خرده‌فروشی/کشاورزی، باغداری و جنگل/حمل و نقل زمینی بار بجز راه آهن دارند.

همچنین با تکیه بر سرشماری سال ۱۳۹۰، زیربخش‌های کلیدی با محوریت ایجاد اشتغال تعیین و تغییر در سیاست‌های اعتباری (با رویکرد ۱۴,۵ درصد افزایش در تسهیلات اعتباری بانک‌ها) و تجاری (با رویکرد ۹,۳ درصد افزایش صادرات محصولات غیرنفتی و ۱۳,۹ درصد افزایش در واردات کالاهای سرمایه‌ای) کشور در زیربخش‌های کلیدی (شامل پوشاک و منسوجات، زارعت و باغداری، دامداری و فرآوری محصولات دامی، خدمات فنی و مهندسی، کفش، کیف و پوشاک چرمی، ترانزیت و حمل و نقل، و خدمات توزیع کالا) محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که در صورتی که سیاست‌های فوق‌الذکر بر بخش‌های کلیدی اشتغالزا اعمال شود، آنگاه بیش از ۴۶۹ هزار شغل جدید در کشور ایجاد و قریب به ۰,۶۴ درصد، نرخ رشد اقتصادی افزایش می‌یابد.



محاسبه تاثیر سیاست‌های تجاری و اعتباری بر ایجاد اشتغال و افزایش نرخ رشد اقتصاد

تاثیر سیاستها بر تولید	تاثیر سیاستها بر اشتغال (نفر)	اشتغالی بر اساس ۱۳,۹٪ افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای	اشتغالی بر اساس ۹,۳٪ افزایش صادرات محصولات غیرنفتی	اشتغالی بر اساس ۱۴,۵٪ افزایش تسهیلات اعطایی بانکها	درصد از کل اشتغال ۱۳۹۰	شغل موجود (سرشماری ۱۳۹۰)	زیربخش‌های منتخب
افزایش ۰,۳۴ درصدی نرخ رشد اقتصاد	26,389	۸,۵۸۸	۷,۳۳۷	۱۰,۴۶۵	13.3%	2,566,433	خدمات توزیع کالا و کسب‌وکارهای صنفی
	45,498	۱۴,۸۰۷	۱۲,۶۵۰	۱۸,۰۴۱	15.6%	3,024,712	زراعت و باغداری شامل گندم، برنج، پسته، خرما و زعفران
	74,623	۲۴,۲۸۵	۲۰,۷۴۹	۲۹,۵۹۰	10.1%	1,955,249	ترانزیت و حمل‌ونقل
	38,621	۱۲,۵۶۸	۱۰,۷۳۸	۱۵,۳۱۴	4.4%	844,743	دامداری و فراوری محصولات دامی
	60,388	۱۹,۶۵۲	۱۶,۷۹۱	۲۳,۹۴۵	2.8%	547,851	پوشاک و منسوجات
	53,312	۱۷,۳۵۰	۱۴,۸۲۳	۲۱,۱۳۹	1.8%	345,427	خدمات گردشگری
	59,767	۱۹,۴۵۰	۱۶,۶۱۸	۲۳,۶۹۹	1.8%	342,503	ساخت چوب و محصولات چوبی
	75,913	۲۴,۷۰۴	۲۱,۱۰۷	۳۰,۱۰۱	2.5%	484,543	خدمات فنی و مهندسی شامل آب، برق، IT و ICT
	35,212	۱۱,۴۵۹	۹,۷۹۱	۱۳,۹۶۲	0.4%	69,934	کفش، کیف و پوشاک چرمی
469,724	۱۵۲,۸۶۴	۱۳۰,۶۰۳	۱۸۶,۲۵۷	53%	10,181,395	جمع کل	

### ۷. نتیجه‌گیری

در این تحقیق ما پس از بررسی وضعیت رقابت‌پذیری و توانمندی تجاری ایران، به بررسی اثرات سیاست‌های تجاری و اعتباری بر رقابت‌پذیری و توانمندی تجاری

پرداخته و از این میان، اثرات آنها را بر اشتغال بررسی کردیم. نتایج نشان می‌دهد که طی ۲۰ سال اخیر سیاست‌ها منجر به ایجاد رشد اشتغالزدا در کشور گردیده تغییر در آنها ضروری است. بر این اساس با ارایه مفهوم بخش کلیدی اشتغالزدا، زیربخش‌های اقتصاد را دسته‌بندی و اثر تحریم‌ها را با کاهش ۳۰ درصد کاهش در واردات کالاهای سرمایه‌ای با استفاده از جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۰ بررسی کردیم. نتایج نشان می‌دهد، تحریم‌ها از نظر تولیدی بیشترین تاثیر را بر بخش‌های ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری / فلزات اساسی / عمده‌فروشی و خرده‌فروشی داشته و این تحریم‌ها بیشترین اثر تولیدی را بر زیربخش‌های صنعتی دارند، بطوریکه ۷ بخش اول، کاهش تولید صنعتی زیادی را تجربه خواهند کرد. در حوزه اشتغال، اثر تحریم‌ها بر بخش‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی / ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی / ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری خواهد بود و در ۱۰ بخشی که بیشترین کاهش در اشتغال را خواهند داشت، ۵ بخش مربوط به بخش‌های صنعتی است. بنابراین تحریم‌ها بیشترین اثر را هم از منظر تولید و هم از منظر اشتغال بر بخش‌های ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری / ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی / ساخت، تعمیر و نصب ماشین‌آلات / فلزات اساسی / عمده‌فروشی و خرده‌فروشی / کشاورزی، باغداری و جنگل / حمل و نقل زمینی بار بجز راه آهن دارند. در ادامه نیز بخش‌های کلیدی اشتغالزدا با تکیه بر جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۰ تعیین و ابزارهایی همچون افزایش در تسهیلات اعطایی بانک‌ها به آنها، افزایش صادرات غیرنفتی و افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای در آنها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان‌دهنده افزایش ۴۶۹ هزار شغل و افزایش بیش از ۰٫۶۴ درصد در نرخ رشد اقتصاد است. بر این اساس ضروری است تا سیاست‌گذاران، در کوتاه‌مدت و جهت کاهش اثرات تحریمی بر اقتصاد، حمایت از زیربخش‌های صنعتی ذکر شده را در اولویت قرار داده و در بلندمدت نیز حمایت از بخش‌های کلیدی اشتغالزدا را جهت توسعه اشتغال مدنظر قرار دهند.

### پی‌نوشت

۱- به عنوان نمونه در گزارش سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۶) نشان داده شده است که در سال ۲۰۰۶ در مقایسه با سال ۲۰۰۱، نرخ بیکاری افزایش یافته اما اقتصاد جهانی شاهد نرخ رشد اقتصادی مثبت و به میزان ۴/۳ درصدی بوده است.

۲- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: (2009) Miller & Blair، (2006) Raa، Dietzenbacher & Lahr (2004)، Nakamura & Kondo (2009)

۳- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مطالعه بانویی و همکاران (۱۳۸۶).

۴- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: شریفی و همکاران (۱۳۹۱)

### کتابنامه

بانویی، علی اصغر، جلودار ممقانی، محمد، محقق، مجتبی (۱۳۸۶). «شناسایی بخش‌های کلیدی بر مبنای رویکردهای سنتی و نوین طرف‌های تقاضا و عرضه اقتصاد»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱.

جنتی فرد محمد، نیک‌رفتار حامد (۱۳۹۰). گزارش رقابت‌پذیری ایران، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، نشر اندیکا، تهران.

شریفی، نورالدین، پهلوانی، مرتضی، اسفندیاری کلوکن، مجتبی، دهقان شورکند، حسین، علی‌اصغرپور موزیرجی، حسین، سعادت‌مییل آغاردان، فرشید (۱۳۹۱). «رتبه بندی میزان اشتغال و ارزش افزوده حاصل از فعالیت بخش‌های تولیدی و بررسی علل آنها (با استفاده از تحلیل داده - ستانده)»، مجله علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی، شماره ۸.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تهران

مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). جدول داده - ستانده ۱۳۹۰، تهران

وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۳۹۲). *نماگرهای ماهانه صنعت، معدن و تجارت*، تهران: وزارت صنعت، معدن و تجارت.

Cho, D.-S., & Moon, H.-C. (2000). *From Adam Smith to Michael Porter: Evolution of Competitiveness Theory*. Singapore: World Scientific Publishing Co.

Cho, Dong-Sung; Moon, Hwy-Chang (2000) *From Adam Smith to Michael Porter: Evolution of Competitiveness Theory*, World Scientific Publishing Co.

Dietzenbacher.E. and Lahr.M. (2004). *Wassily Leontief and Input-Output Economics*. New York. Cambridge University Press.

Krugman P. (1991a): *Geography and Trade*. MIT Press, Cambridge (Mass.)

Krugman, P. (1994). competitiveness: A Dangerous Obsession. *Foreign Affairs*, 28-44.

- Krugman, Paul (1994) Competitiveness: A Dangerous Obsession. Foreign Affairs. Volume 3.No2
- Leontief, W. (1936).Quantitative input-output relations in the economic system of the United States.*Review of Economics and Statistics*.Vol. 18, No 3.
- Leontief, W. (1967).An Alternative to Aggregation in Input-Output Analysis and National Accounts.*Review of Economics and Statistics*.Vol. 49, No. 3.
- Miller, R. and Blair, P. (2009).*Input-output analysis: Foundations and extension*. Second Edition. New York. Cambridge University Press.
- Nakamura.S and Kondo.Y. (2009).*Waste Input-Output Analysis*.Springer.
- Porter, M. (1998A). *The Competitive Advantage of Nations*. New York: Free Press, MacMillan.
- Porter, M. (1998B). Clusters and the new Economics of Competition. *Harvard Business Review* .
- Porter, M. (2004). The Economic Performance of Regions. *Regional Studies* , 549–578.
- porter, M. (2004). *The Microeconomic Foundations of Prosperity: Findings from the Business Competitiveness Index*. Geneva: World Economic Forum.
- Porter, M. (2008). *On Competition*. Boston: Harvard Business Review Book.
- Porter, M. (2015). Cluster Mapping and Cluster-Based Economic Development. *Harvard Business School*.
- Porter, M. E. (1979) How Competitive Forces Shape Strategy. *Harvard Business Review* 57(2), 137–145.
- Porter, M. E. (1990). *The Competitive Advantage of Nations*. New York: The Free Press.
- Raa. T. T. (2006). *The Economics of Input-Output Analysis*. New York. Cambridge University Press.
- World Economic Forum (2001-2017). Global Competitiveness Report.